

# بررسی نقش، اختیار و رفتار پلیس در دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان

محمد بارانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۷

## چکیده

**زمینه و هدف:** وضعیت کودکان و نوجوانان ایران که بیش از ۳۰/۸ درصد جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند، از نظر تفاوت‌های اساسی آنان با بزرگسالان، وضعیت منحصر به فردی است؛ به همین منظور در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل، معیارهای علمی- کاربردی تعریف شده است تا سیاست‌مداران و مسئولان دادرسی ویژه نوجوانان و از جمله پلیس را به فعالیت‌های مضاعفی وادارد. از طرفی بدون توسل به سیاست جنایی افتراقی و اکتفا به سازوکارهای عمومی دادرسی بزرگسالان، که بیشتر مبتنی بر سیاست کیفری محض است، قادر به کنترل کودکان و نوجوانان معارض با قانون به نحوی که منجر به ادغام مجدد آنان در جامعه باشد، نیستیم. در این میان، پلیس بیشترین تماس را با کودکان و نوجوانان دارد، در این پژوهش تلاش شد به منظور دستیابی به جایگاه، نقش، اختیارات و معیارهای رفتاری پلیس در دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان گام برداشته شود، به نوعی که قوانین و مقررات داخلی و انطباق آن با قوانین بین‌المللی، براساس هم‌فکری و تبادل نظر با نخبگان و کارشناسان و متخصصان پلیس در حوزه اطفال بررسی شد.

**روش:** پژوهش حاضر به روش توصیفی پیمایشی انجام شد؛ جامعه آماری پژوهش گزیده‌ای برتر از جمعیت پلیس متخصص اطفال و کودکان به تعداد ۱۵۰ نفر بود که با ۲۸ پرسش محوری و با ارزیابی وضع موجود اجرای این قوانین و مقررات توسط پلیس و تحلیل نقاط قوت و ضعف آن‌ها با استفاده از آزمون تی استیودنت برای اجرایی کردن هرچه بهتر و دقیق‌تر ماده ۵۳ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال یعنی تشکیل پلیس اطفال انجام شد.

**یافته‌ها و نتایج:** نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها و هریک از محورهای فرعی پژوهش یعنی اجرای قوانین و مقررات داخلی، معیارهای رفتاری، فرایندها و سازوکارهای رسیدگی و تدابیر، راهبردها و سیاست‌های علمی و عملی، از ضعف و رضایت ناکافی برخوردار بودند و تنها محور آموزش‌ها و مهارت‌های پلیس دارای سطح معنادار و کفایت لازم بود. در نهایت نتایج حاکی از پاسخ منفی به پرسش اصلی پژوهش یعنی نقش، اختیار و رفتار پلیس در زمینه دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در چارچوب قوانین و مقررات داخلی، در حد کفایت بود.

## کلیدواژه‌ها

قوانین و مقررات دادرسی، دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان، معیارهای رفتاری، آموزش و مهارت، فرایند و سازوکار، راهبرد و تدابیر

۱. استادیار گروه جرم‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین. عضو پیوسته انجمن علمی پژوهش‌های انتظامی ایران،

## مقدمه

به دنبال دیدگاه‌های تازه حقوقی و جرم‌شناختی، نگرش‌ها نیز نسبت به قوانین جزایی، شکل و شیوه دادرسی، همچنین نوع و نحوه واکنش به رفتارهای مجرمانه و شرایط اجرای آن، مدام در حال دگرگونی است. این تغییر نگرش به خصوص در مبحث کودکان و نوجوانان ناقض قانون<sup>۱</sup>، به دلیل تفاوت‌های اساسی روحی و روانی، احساسی و عاطفی، ادراکی و عقلانی و جسمانی، بیشتر نمایان است. از طرفی، نخست: اعمال مجرمانه این افراد، برخلاف بزرگسالان ناشی از خبث طینت و روحیه پلید ایشان نبوده؛ بلکه اغلب معلول سادگی، بی‌تجربگی و بازیگوشی آنان در مواجهه با انگیزه‌های مجرمانه است. دوم: به اقتضای شرایط سنی و فطرت پاک اولیه و روح لطیف‌شان، بیشتر آمادگی اصلاح و بازگشت به جامعه را دارند. در نتیجه استحقاق و شایستگی برخورداری از یک سیاست جنایی افتراقی را خواهند داشت.

از آنجایی که یکی از اهداف سیاست جنایی افتراقی در برخورد با بزهکاران به‌ویژه کودکان و نوجوانان، سیاست قضازدایی است؛ یکی از راه‌های مفید قضازدایی در حوزه کودکان، بهره‌گیری از ساختار غیرقضایی در قالب ایجاد نهادهای جایگزین مراجع رسمی و اعطای اختیار کافی به آنهاست تا بتوانند روش‌های فراقضایی را به کار گیرند. وجود این نهادها در سه مرحله انجام تحقیقات و فرایند پلیسی، تصمیم‌گیری، و اجرای تصمیم حائز اهمیت هستند (رضوانی و طاهریان، ۱۳۹۲). از جمله این نهادها می‌توان به‌طور مسلم به پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، مراکز مددکاری اجتماعی از میان نهادهای رسمی و به سمن‌های مربوط به حمایت از حقوق کودکان یا دیگر نهادهای مردم‌نهاد اشاره کرد. بررسی‌های غیررسمی نشان می‌دهد با وجود این که پلیس به‌طور

۱- عبارت «ناقض قانون» در مورد کودکان و نوجوانانی به کار می‌رود که با نقض قوانین جزایی تحت تعقیب قرار می‌گیرند. این اصطلاح به‌جای کودکان و نوجوانان بزهکار به کار برده می‌شود.

ذاتی تمایل دارد درخصوص کودکان و نوجوانان، رفتار افتراقی داشته باشد؛ اما به ندرت در تحریک اراده قانونگذار برای ایجاد بسترهای قانونی آن و در نتیجه ایجاد مهارت در کارکنان خود، اقدام جدی به عمل آورده است، بررسی سیر مراحل قانونگذاری از بدو امر قانونگذاری در حدود و اختیار پلیس تاکنون بیانگر این ادعاست. هرچند خوشبختانه در ماده ۳۱ لایحه آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۰)، تشکیل پلیس کودکان و نوجوانان پیش‌بینی شده است که نشان از تلاش حامیان حقوق کودک دارد.<sup>۱</sup> عملکرد پلیسی یکی از ابتدایی‌ترین و در عین حال، غیرقابل اجتناب-ترین فرایندهای مربوط به وقوع هر جرم است. بدیهی است مواجهه طفل با نیروها و عملکرد پلیس، هم می‌تواند احتمال برجسب‌زنی به رفتار طفل یا نوجوان را افزایش دهد و هم موجب آشفتگی روانی آنها شود. در همین راستا تبصره ۳ ماده ۳ از قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، انجام تحقیقات در جرایم اطفال را به‌طور مستقیم در صلاحیت دادگاه اطفال قرار داده است و وفق ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی در امور کیفری، انجام کلیه وظایف ضابطان دادگستری توسط دادگاه صورت می‌گیرد (رضوانی و طاهریان، ۱۳۹۲). با وجود این، نخست این که تدبیر پیش‌بینی شده درخصوص نوجوانان بالغ زیر ۱۸ سال پیش‌بینی نشده است (جوانمرد، ۱۳۸۴، ص ۶۸؛ به نقل از رضوانی و طاهریان، ۱۳۹۲) و دوم این که به نظر می‌رسد در عمل گریزی از به کارگیری ضابطان دادگستری نبوده و قضات دادگاه‌ها نیز در شرایط کنونی قادر به

---

۱- به موجب ماده ۳۱ لایحه آیین دادرسی کیفری (۹۰/۵/۱۰) مقرر شده است: به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. وظایف و حدود اختیار آن به موجب لایحه‌ای است که وزارت کشور با همکاری وزارت دادگستری حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ اجرایی شدن این قانون تهیه می‌کند و پس از تصویب آن از سوی هیئت وزیران به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود.

انجام تحقیقات اولیه نیستند.

شاید با توجه به چنین ضرورت‌هایی است که ماده ۱۲ از قواعد پکن بر لزوم ایجاد مراکز انتظامی تخصصی برای اطفال و نوجوانان تأکید داشته و چنین نهادی به صورت-های مختلف و در قالب برنامه‌های گوناگون در کشورهای مختلف جهان به اجرا درآمده است و در بسیاری از کشورها اختیار قضازدایی قابل توجهی نیز دارد. در این زمینه شاید نگاهی به آمار عملکرد پلیس کودک در آمریکا جالب توجه باشد. «برنارد و کورلیچ»<sup>۱</sup> (۲۰۱۰، ص ۱۹۱) عنوان می‌کنند که «پلیس کودک آمریکا بخش بزرگی از پرونده‌های کودکان را خود رسیدگی می‌کند و آنها را ابتدا به سیستم دادگاهی ارجاع نمی‌دهد. شواهد نشان می‌دهد پلیس در ۸۵ درصد موارد، پرونده‌های جوانانی را که با آنها سروکار دارد، بدون بازداشت رسیدگی می‌کند؛ رقمی که از دهه ۱۹۷۰ تا حدودی ثابت باقی مانده است. در میان کودکانی که بازداشت می‌شوند نیز به تازگی کاهش قابل توجهی در میزان ارجاع به دادگاه دیده می‌شود». بنابراین پلیس و به ویژه پلیس اطفال می‌تواند در حوزه‌های مختلف فرایند دادرسی و ویژه نوجوانان، چه قبل از محاکمه (پرهیز از برچسب زنی، سرعت بخشی به فرایند، تخصص گرایي دادرسی، و کاهش میزان نگهداری موقت محکومان) و چه بعد از محاکمه (کاستن از آثار برچسب زنی در قالب همکاری با مددکاران اجتماعی، پرهیز از پیامدهای جرم‌زای محیطی، تسهیل بازگشت به جامعه و کاهش هزینه‌های فرایند) نقش ایفا کند (رضوانی و طاهریان، ۱۳۹۲).

در سال ۱۳۹۵ از جمعیت ۷۹،۹۲۶،۲۷۰ نفر کل کشور، بالغ بر ۲۴۶۵۱۶۶۲ نفر، یعنی ۳۰/۸ درصد جمعیت کشور را افراد کمتر از ۱۸ سال، به تفکیک ۵۲ درصد مرد و ۴۸ درصد را زن تشکیل دادند و از این تعداد جمعیت جوان کشور، بیش از ۷۸ درصد

آن را سنین کمتر از ۱۴ سال تشکیل می‌دهند<sup>۱</sup>. این یعنی جامعه نوجوان، که نیازمند توجه ویژه در همه زمینه‌ها، از جمله دادرسی نوجوانان است؛ زیرا چنین جمعیتی با این فراوانی بالا، چنانچه موجب حمایت و مراقبت ویژه قرار نگیرند، کج‌روی و ارتکاب اعمال خلاف قانون را به دنبال خواهد داشت که در آن صورت نمی‌توان کودکان و نوجوانان را فقط معارض قانون یا بزه‌کار خواند؛ بلکه باید گفت حتی کودکان و نوجوانان بزه‌کار، در واقع قربانیان جرم هستند. سالیانه هزاران کودک و نوجوان، قربانی جرم واقع می‌شوند و یا شاهد وقوع جرایم خرد و کلان هستند، پرسش اساسی این است که پلیس ایران در مواجهه با این بخش از جمعیت کشور که همگی نیازمند حمایت و توجه ویژه هستند، از چه جایگاه، نقش و اختیاری در زمینه دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان برخوردار است؟ و نظام دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی چگونه پیش‌بینی شده و تا چه حد انطباق دارد؟ به‌همین منظور پرسشنامه‌ای که شامل چگونگی عملکرد، نقش و معیارهای رفتاری پلیس در قوانین و همچنین فرآیند دادرسی و راهبردها و تدابیر اندیشه‌شده در این راستا و همکاری و تعامل با سازمان‌ها و نهادهای مربوطه است، از تعداد زیادی از نخبگان، کارشناسان و متخصصان پلیس در بخش اطفال و نوجوانان کشور نظرخواهی شد.

### بیان مسئله

در هر نظام دادرسی نوجوانان، اشخاصی مشغول به کار هستند که هر یک نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند از قبیل؛ پلیس، مقام‌های قضایی، مشاوران و مددکاران اجتماعی، وکلا و مشاوران حقوقی، خانواده، بهزیستی، کانون اصلاح و تربیت و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی تأثیرگذار. دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان برعکس دادرسی بزرگسالان، «به مجموعه‌ای از قوانین، معیارها، روش‌ها، سازوکارها و تسهیلات، نهادها

و سازمان‌هایی اشاره می‌کند که به‌طور ویژه به خطا کاران نوجوان اختصاص یافته است.<sup>۱</sup> به‌طور کلی کودکان و نوجوانان بیشترین تماس خود در نظام عدالت کیفری را با پلیس دارند، این تماس‌ها خواسته یا ناخواسته، بسیار متعددند؛ ولی درباره دادرسی ویژه نوجوانان، به کودکان و نوجوانان ناقض قانون، کودکان و نوجوانان قربانی جرم، کودکان و نوجوانان شاهد جرم، کودکان و نوجوانان در معرض خطر و نیازمند به حمایت، محدود می‌شود. نقش پلیس در ارتباط با کودکان و نوجوانان ناقض قانون از مرحله تشخیص جرایم ارتكابی، شناخت سن مسئولیت کیفری آنان و چگونگی مداخله در موضوع، تشخیص اهمیت جرم ارتكابی، شناخت شخصیت مرتکب، شناخت علل و عوامل ارتكاب جرم، تصمیم به مداخله و دستگیری، فرایند دستگیری یا استفاده از جایگزین‌های دستگیری، چگونگی بدرقه آنان، ملاحظه‌های قانونی و حقوق اساسی کودکان و نوجوانان معارض قانون، چگونگی بیان حقوق کودک با شیوه کودک‌فهم، بازجویی، بازداشت و استفاده از جایگزین‌های بازداشت، تشکیل پرونده شخصیت و پرونده قضایی و نحوه مشارکت دادن خانواده در امر رسیدگی و تصمیم‌گیری، قضا‌دایی<sup>۲</sup> و پرهیز از مداخله قانونی، حضور در دادگاه و کمک به قاضی برای تصمیم‌گیری صحیح، متعدد و متنوع هستند؛ بنابراین داشتن مهارت لازم برای ورود به این مراحل و تصمیم‌گیری صحیح در هر مورد، نیازمند دقت بسیار است.

درباره دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان، پژوهش‌ها و تألیف‌های متنوعی انجام شده است، از جمله: کتاب دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، تألیف تاج‌زمان دانش که در آن ضمن اشاره به فرآیند و سیر تصویب قوانین دادرسی اطفال و نوجوانان، به

۱- تعریف صندوق حمایت از کودکان و نوجوانان از دادرسی ویژه نوجوانان. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به جزوه‌های کارگاه آموزشی دادرسی ویژه نوجوانان برای مربیان پلیس. (۱۳۸۲). معاونت تربیت و آموزش نیروی انتظامی.

جرایم ارتكابی توسط كودكان و نوجوانان، ویژگی‌های روانی آنها، تفاوت‌های گروه-های سنی كودكان و نوجوانان و تطبیق وضعیت دادرسی ایران با سایر كشورها پرداخته است. تألیف دیگر باعنوان «نقش نیروی انتظامی در يك نظام دادرسی ویژه نوجوانان دوستدار كودك» پلیس را در فرآیند دادرسی به معنای عام مورد بررسی قرار می‌دهد به نوعی كه نقش پلیس را در حمایت از كودكان و نوجوانان معارض قانون، شاهد جرم، قربانی جرم و كودكان نیازمند حمایت یا در معرض خطر بررسی می‌كند. در این اثر، از زمان ارتكاب جرم، مداخله قانونی، دستگیری، بازداشت، مصاحبه، بازجویی، تشکیل پرونده، كمك به مقام قضایی برای تصمیم‌گیری، حمایت‌های مشاوره‌ای و روان‌شناسی و مددکاری و... مورد بررسی قرار گرفته است. این اثر بنا به پیشنهاد دفتر یونیسیف در ایران و براساس معیارهای بین‌المللی دو اثر از آقای «نایجل برنكن» و خانم «آن اسکلتن» (متخصصان دادرسی ویژه نوجوانان) تهیه و تدوین شده است. جهانی (۱۳۹۰) در مقاله-ای باعنوان جایگاه پلیس ویژه كودكان و نوجوانان، به بررسی نقش پلیس در هدایت كودكان و نوجوانان بزهكار پرداخت و نتیجه آن نشان می‌دهد كه به دلایل مهمی مانند حساسیت قشر كودك و نوجوان و آسیب‌پذیری اجتماعی و روانی آنان، مصون نگه‌داشتن آنها از عواقب زیان‌بار مداخله نظام کیفری و نیز پیشگیری از وقوع جرایم آتی تشکیل پلیس ویژه كودك و نوجوان در فرآیند دادرسی امری ضروری است. در همین راستا، اسناد بین‌المللی الزام‌آور بر ضرورت وجود آن تأکید کرده و مقررات خاصی را نیز در این زمینه تدوین کرده‌اند و به پیروی از آن، بیشتر كشورهای پیشرفته نیز اقدام به راه‌اندازی این نهاد کرده‌اند. هرچند در سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران، این امر مورد توجه قرار نگرفته بود. زندی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد باعنوان «پلیس اطفال و نوجوانان در دانشگاه آزاد اسلامی»، به‌اختصار به ساختار و وظایف و تكالیف پلیس اطفال و نوجوانان اشاره کرده است. در پژوهش یادشده، به

نقش پلیس و زوایای پنهان دادرسی اطفال اشاره نشده، بلکه کلیاتی راجع به اصول اولیه دادرسی اطفال و مباحث ساختاری دارد.

## مبانی نظری

**نقش پلیس در سیستم دادرسی و قوانین ویژه اطفال و نوجوانان سایر کشورها**

چارچوب‌هایی که برای تقسیم‌بندی و مقایسه پلیس ویژه کودک در کشورهای مختلف ارائه شده است، در قالب سه معیار قابل عرضه است: «پلیس اطفال محلی یا فراگیر، پلیس اطفال مجری یا قضاذا و پلیس اطفال تخصصی یا غیرتخصصی». در برخی کشورها، نظام عدالت یا دادرسی ویژه نوجوانان به صورت محلی - ایالتی اجرا می‌شود و اختیار در دست شورای محلی قرار دارد (مانند انگلستان و ولز و حتی آلمان) و پلیس در واقع به صورت محلی و یکی از اجزا و عوامل این شورای محلی است اما در برخی کشورهای دیگر مانند نیوزیلند، نقش نهادهای درگیر تفکیک‌شده‌تر و فراگیرتر است و برخی کشورها مانند ژاپن رویکردی میانه دارند. همچنین کشورهای مختلف از نظر این که در نظام دادرسی ویژه نوجوانان آنها پلیس (چه پلیس ویژه اطفال و چه پلیس به طور کل) اختیار (به ویژه اختیار قضاذایی) دارد یا فقط مجری تشکیل پرونده، بازداشت و انتقال افراد به دادگاه (دادگاه ویژه اطفال یا دادگاه بزرگسالان) است متفاوت هستند. در برخی کشورها مانند ژاپن، نیوزیلند و استرالیا، پلیس اختیار قضاذایی زیادی دارد و حتی در بسیاری از ایالت‌های آمریکا، اما در برخی کشورها مانند بیشتر کشورهای آسیایی (به عنوان نمونه هند و پاکستان) پلیس از چنین اختیاری برخوردار نیست و فقط نقش مجری را به عهده دارد، اما این که واحدهای تخصصی پلیس کودک در این کشورها تصویب شده یا در حال فعالیت هستند. موضوع دیگر، تخصصی بودن یا نبودن پلیس اطفال در کشورهای مختلف است. در برخی کشورها مانند بیشتر کشورهای آسیایی، واحد تخصصی پلیس کودک وجود ندارد یا در سطح تقنینی باقی مانده است، و در برخی کشورهای دیگر (کشورهایی که در زمینه حقوق



کودک سرآمد هستند) دو نوع گرایش تخصصی در زمینه پلیس کودک دیده می‌شود و آن این که در برخی کشورها مانند انگلستان و ولز، نیوزیلند، استرالیا، آمریکا، ژاپن و برخی دیگر از کشورهای اروپایی، افزون بر وجود پلیس تخصصی کودک با افسران ویژه آموزش دیده (چه در سطح محلی و چه در سطح فراگیر و فدرال)، میزان همکاری و سنجیدگی ساختاری پلیس با سایر نهادهای دولتی و غیردولتی (مانند سمن‌ها یا مددکاران اجتماعی) بسیار تعریف شده و منظم است.

**انگلستان:** در سیستم جدید دادرسی جوانان انگلستان و ولز دو نقش آفرین عمده محوریت دارند: هیئت ویژه دادرسی جوانان در سطح کشور و کمیسیون‌های محلی جوانان بزهکار که در سطح محلی فعالیت می‌کنند. کمیسیون‌های محلی جوانان بزهکار از عوامل و نمایندگان نهادهای محلی، از جمله پلیس تشکیل می‌شوند و در واقع نقش پلیس در سیستم دادرسی جوانان انگلستان نه به صورت جدا، بلکه در قالب فعالیت در این کمیسیون‌ها، قابل بررسی است. در این زمینه پلیس دو گونه فعالیت انجام می‌دهد. نخست فعالیت‌هایی که توسط افسر پلیس این کمیسیون‌ها باید پیگیری و انجام شود؛ مانند وظایف مدیریت بزهکاران، اشتراک گذاری اطلاعات و فعالیت مشارکتی و بین-بخشی. همچنین فعالیت‌ها، بخشی از اختیار تعریف شده برای کمیسیون‌های محلی جوانان بزهکار توسط افسر پلیس این کمیسیون‌ها که اختیار پلیسی خود را نیز داراست مشخص یا به صورت نهفته قابل انجام است، مانند برخی اختیارات قضازدایی چون تذکردهی به جوان بزهکار، صدور جریمه مالی، و صدور یا درخواست یا نظارت بر بعضی قرارها.

**آمریکا:** در سیستم دادرسی جوانان آمریکا، پلیس مدارس محوریت دارد. بسیاری از مدیران مدارس، افسران پلیس را به صورت تمام‌وقت یا نیمه‌وقت در ساعات کاری مدرسه استخدام کرده‌اند. این کار بیشتر در مدارس داخل شهر یا مدارس که جرائم

زیادی در فعالیت‌های کودکان را تجربه کرده‌اند، رایج است. همچنین پژوهش‌های متعددی در خصوص تاثیر چگونگی تعامل و رفتار پلیس با کودکان در اثرگذاری نقش پلیس در کاهش جرم انجام داده‌اند، آنها همچنین پلیس محلی را در برخورد با جرایم ایجاد کردند. کارکرد پلیس محلی براساس این باور است که کاهش جرم نیازمند برقراری رابطه جدید بین اداره پلیس و شهروندان مطیع قانون در جامعه و استفاده از وجود و اقدام آنها برای بهبود کیفیت زندگی در محله‌ها است (ترویانوویچ و بوکوئروکس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰). راهبرد پلیس محلی یک تغییر مهم در فلسفه و ساختار اجرای قانون در آمریکا است و توسط بعضی از راهبردهای جدید سازمانی تعریف می‌شود که عبارت‌اند از:

• **همکاری اجتماعی:** همکاری بین ضابطان اجرای قانون و افراد و سازمان‌هایی که آن‌ها برای پیدا کردن راهکار مشکل‌های جامعه و افزایش اعتماد به پلیس خدمت می‌کنند.

• **دگرگونی سازمانی:** جهت‌دهی دوباره مدیریت سازمانی سیستم‌های اطلاعاتی، منابع انسانی و ساختاری برای حمایت از همکاری اجتماعی و اجرای وظایف مربوط به حل مشکل.

• **حل مسئله:** فرایند به‌هم‌آمیختن ارزیابی نظام‌مند و فعال مربوط به مسائل معین به‌منظور فراهم کردن پاسخ‌های مؤثر.

**ترکیه:** از دیدگاه قانون، کودکان در ترکیه به سه گروه سنی ۰-۱۱ سال، ۱۲-۱۴ سال و ۱۵-۱۸ سال تقسیم می‌شوند. پلیس تنها هنگامی که کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال در تعارض با قانون قرار می‌گیرند، مجاز به دستگیری و بازداشت آنها است. هنگامی که پلیس بررسی در مورد یک کودک بزهکار را آغاز می‌کند، باید والدین یا سرپرست

کودک، مددکار اجتماعی و وکیل وی را از آن باخبر کند. همچنین در ترکیه مسئولیت مؤسسه‌های بسته، نیمه‌باز و باز که کودکان و نوجوانان معارض قانون در آنجا نگهداری می‌شوند، با پلیس کودکان و نوجوانان است. آنها با آموزش و پرورش قراردادی دارند که معلمان به این مراکز می‌روند و به کودکان آموزش می‌دهند.

بنابراین پرسش اصلی پژوهش این است که: آیا نقش، اختیار و رفتار پلیس در زمینه دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در چارچوب قوانین و مقررات داخلی در حد کفایت بوده است؟ همچنین پرسش‌های فرعی پژوهش عبارت‌اند از: ۱- قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی در زمینه دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان چگونه است؟؛ ۲- معیارهای رفتاری در زمینه دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان چگونه است؟؛ ۳- آموزش‌ها و مهارت‌های دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان چگونه است؟؛ ۴- فرآیندهای دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان چگونه است؟ و ۵- راهکارها، سیاست‌ها و تدابیر دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان چگونه است؟

### روش پژوهش

باتوجه به این که در پژوهش حاضر از میان جمعیت پلیس کشور، پلیس متخصص اطفال و کودکان انتخاب شده است، روش پژوهش توصیفی<sup>۱</sup> و از نوع پیمایشی<sup>۲</sup> است. در این روش هیچ‌یک از متغیرها دستکاری نمی‌شوند، بلکه همان‌گونه که وجود دارند، مورد مطالعه قرار می‌گیرند (خوئی‌نژاد، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳). رایج‌ترین روش گردآوری داده‌ها در علوم اجتماعی، زمینه‌یابی است که از آن هنگامی استفاده می‌شود که پژوهشگر قصد جمع‌آوری داده‌ها به منظور کشف رابطه بین متغیرهای مختلف را دارد. پژوهش زمینه‌یابی به چندین شیوه انجام می‌گیرد که مهم‌ترین آن دو روش اصلی «مصاحبه» و «پرسشنامه» است که هرکدام نیز به روش‌های مختلف انجام می‌شود. در تهیه پرسشنامه،

---

1. descriptive research

2. survey

هدف‌هایی که پژوهشگر قصد دسترسی به آنها را داشته، فهرست شدند تا درک روشنی از آنها به دست آید و هر پرسش به گونه‌ای طراحی شده که هم بیانگر هدف‌های پژوهشگر باشد و هم یکی از جنبه‌های هدف یا فرضیه صورت‌بندی شده را مورد اندازه‌گیری قرار دهد.

در این پژوهش از پرسشنامه‌ای که توسط پژوهشگر در ۲۸ عبارت و ۵ سطح (خیلی ضعیف، ضعیف، متوسط، خوب، خیلی خوب) براساس مقیاس لیکرت<sup>۱</sup> ساخته شده است، استفاده شد. اعتبار مورد استفاده در این پژوهش، اعتبار محتوا<sup>۲</sup> است که در آن میزان توافق کارشناسان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار و یا ابزار سنجش و میزان معرف بودن یک آزمون یا مجموعه‌ای از گویه‌ها را بررسی می‌کند، مورد استفاده قرار گرفت. برای ارزیابی پایایی پرسشنامه، ابتدا ۱۵۰ پرسشنامه به طور تصادفی بین نمونه توزیع شد و پس از جمع‌آوری داده‌ها ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش همسانی درونی برابر با ۰/۸۶ به دست آمد.

پرسشنامه پژوهش شامل جایگاه، نقش و اختیار پلیس، قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی، تعامل و همکاری نهادها و بخش‌های مرتبط، میزان مهارت و آموزش پلیس، اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی، آمار و اطلاعات جامع، راهبرد پلیس محلی در مورد دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان پرسش شد. برای جمع‌آوری داده‌ها، از متخصصان و جمعیت پلیس اطفال نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران استفاده شد.

- 
1. Likert Type Scale
  2. Content Validity

جدول ۱. نمایش مؤلفه‌های مورد بررسی در پرسشنامه

تعداد پرسش	محور پرسش‌ها	مؤلفه‌های اصلی نگرش پلیس در زمینه دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان
۵	<p>۱. جایگاه، نقش و اختیار پلیس در قوانین و مقررات دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان</p> <p>۲. سن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان</p> <p>۳. وضعیت پیش‌بینی شده نظام دادرسی اطفال و نوجوانان در قوانین</p> <p>۴. میزان انطباق قوانین و مقررات داخلی با موازین بین‌المللی</p> <p>۵. امکان استفاده از جایگزین‌های دستگیری و بازداشت کودکان توسط پلیس در قوانین و مقررات</p>	<p>۱- قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی</p>
۵	<p>۱. همکاری و مشارکت گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی با پلیس</p> <p>۲. تفاوت رفتار پلیس با کودکان و نوجوانان نسبت به بزرگسالان</p> <p>۳. تفاوت رفتاری در برخورد با اطفال و نوجوان مبتنی بر ویژگی‌های سنی</p> <p>۴. تاثیر شیوه‌های اجرایی و رفتاری پلیس در زمینه دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان</p> <p>۵. امکان استفاده از راهکارهای قضاودایی و میانجی‌گری از جرایم کودکان و نوجوانان توسط پلیس</p>	<p>۲- معیارهای رفتاری</p>
۴	<p>۱. میزان اجرای آموزش‌ها و مهارت‌ها توسط پلیس</p> <p>۲. ارتباط با خانواده و بستگان آنها در حل مشکل اطفال و نوجوانان توسط پلیس</p> <p>۳. ضرورت آموزش درخصوص معیارهای رفتار با کودکان برای پلیس</p> <p>۴. اجرای برنامه‌های مشاوره‌ای توسط پلیس برای اطفال و نوجوانان در تعارض با قانون</p>	<p>۳- آموزش‌ها و مهارت‌ها</p>

<p>۸</p>	<p>۱. وضعیت بازداشت اطفال و نوجوانان براساس معیار مکان بازداشت جدا از بزرگسالان                  ۲. امکان اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی در قوانین و مقررات دادرسی ویژه اطفال                  ۳. استفاده از اصول و روش‌های عدالت ترمیمی در دادرسی ویژه اطفال                  ۴. استفاده از قواعد و اصول عدالت ترمیمی توسط پلیس در پرونده‌های اطفال و نوجوانان                  ۵. اولویت قرار دادن ارائه خدمات پلیسی در دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان                  ۶. وجود سازوکار پذیرش شکایت کودکان از عملکرد پلیس                  ۷. دسترسی کودکان در معرض خطر به کارکنان پلیس، مقرر و یا خطوط ارتباطی                  ۸. وجود سازوکارهای مناسب و کافی برای نظارت بر عملکرد پلیس در دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان</p>	<p>۴- فرآیندها</p>
<p>۶</p>	<p>۱. نظام هماهنگی سیاست‌ها و برنامه‌های پلیس با سایر بخش‌ها                  ۲. تعامل و همکاری نهادهای مرتبط با دادرسی ویژه اطفال                  ۳. وجود نظام آماری جامع و علمی درخصوص اطفال و نوجوانان در تعارض با قانون                  ۴. برخورداری پلیس از نظام جامع آماری (اطلاعاتی) درخصوص اطفال و نوجوانان                  ۵. تعریف و تدوین راهبردهای ملی درخصوص دادرسی ویژه نوجوانان توسط پلیس                  ۶. وجود راهبرد پلیس محلی در خصوص دادرسی ویژه نوجوانان</p>	<p>۵- راهبردها، سیاست‌ها و تدابیر</p>
<p>۲۸</p>	<p>مجموع تعداد پرسش‌ها</p>	

داده‌های گردآوری شده در مورد هریک از پرسش‌های پژوهش، با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد و با توجه به نتایج به دست آمده، درستی فرضیه‌ها مورد سنجش قرار گرفت. هر فرضیه دارای چندین پرسش فرعی است که نتایج آماری به دست آمده از این پرسش‌ها به صورت توصیف آماری با استفاده از

نمودار ستونی نشان داده شد و اعداد و ارقام به دست آمده برای هر کدام از گزینه‌های خیلی خوب، خوب، متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف، نشان‌دهنده تأیید یا تأییدنشدن پرسش‌ها توسط مشارکت‌کنندگان است. با استفاده از آزمون تی که در مورد هر کدام از پرسش‌ها با درصد اطمینان ۰/۰۵ انجام شد، نتیجه گرفته شد که آیا شرکت در این کارگاه‌ها بر آنها تأثیر داشته یا خیر.

باتوجه به این که پاسخ‌ها براساس پنج گزینه خیلی خوب، خوب، متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف طبقه‌بندی شده‌است، براساس آزمون تی عددی به‌عنوان میانگین جامعه در نظر گرفته شد، بنابراین هر کدام از گزینه‌ها براساس نمره ۱ تا ۵ به شرح زیر نمره-گذاری شدند:

خیلی خوب = نمره ۵، خوب = نمره ۴، متوسط = نمره ۳، ضعیف = نمره ۲ و خیلی ضعیف = نمره ۱

در این آزمون عدد ۳ به‌عنوان میانگین نمره‌ها در نظر گرفته شد. با ضرب نمره‌های تعیین‌شده برای هر کدام از گزینه‌ها در پاسخ‌های کارآموزان به آن گزینه و مجموع نتایج به دست آمده و مجموع میانگین‌های به دست آمده برای هر فرضیه می‌توان به میانگین نمونه رسید و با محاسبه درجه آزادی و مجموع مجذور انحراف نمره‌ها از میانگین می‌توان انحراف معیار را معلوم کرد و در نهایت می‌توان با به دست آوردن خطای معیار میانگین، تی مشاهده شده را به دست آورد.

فرضیه‌های آماری در پژوهش حاضر به شرح زیر هستند:

فرضیه صفر  $H_0: \mu = 3$  از نظر کارشناسان تفاوت معناداری در رابطه با نقش، اختیار و رفتار پلیس در دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در چارچوب قوانین و مقررات داخلی در حد کافی وجود ندارد.

فرضیه خلاف  $H_1: \mu \neq 3$  تفاوت معناداری از نظر کارشناسان در رابطه با نقش،

اختیار و رفتار پلیس در دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در چارچوب قوانین و مقررات داخلی در حد کافی وجود دارد.

### یافته‌های پژوهش

**توصیف و تجزیه و تحلیل آماری پرسش اول:** در پاسخ به پرسش اول پژوهش مبنی بر اینکه: «قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی در دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در کشور چگونه است؟»، گفتنی است که وضعیت کودکان معارض با قانون به دلایل تفاوت‌های اساسی آنان با بزرگسالان در جنبه‌های جسمانی، روحی و روانی، احساسی و عاطفی و عقلی و ادراکی، وضعیت ویژه‌ای است، به همین منظور همواره مورد نظر حقوق داخلی و بین‌المللی بوده و هرچند در کشورهایی که تخصص‌گرایی وجود ندارد و پلیس فاقد سیاست جنایی افتراقی در مواجهه با کودکان و نوجوانان معارض قانون است، کودکان نیز به مانند بزرگسالان در تماس با پلیس قرار می‌گیرند؛ اما متأثر از حقوق مدون بین‌المللی و اسناد و مقررات آن، امروزه کشورها تلاش می‌کنند تا بر گرفته از کرامت ذاتی انسان، اصول رسیدگی و رفتار پلیس خود را هرچه بیشتر به اصول ذاتی و انسانی و کرامت‌مدار نزدیک کنند. با عنایت به این که این اصول که مورد توافق بیشتر کشورهای دنیاست در اسناد بین‌المللی تجلی پیدا کرده است، نظام‌های پلیسی دنیا تلاش می‌کنند تا از این اصول و معیارها پیروی کرده و نظام حقوقی خود را به این معیارها نزدیک کنند؛ بنابراین مطابقت دادن قوانین داخلی با اصول بین‌المللی این امکان را مهیا می‌کند تا به این پرسش پاسخ دهیم که چه میزان توصیه‌ها و ملاحظه‌های مربوط به نقش پلیس در عدالت کیفری اطفال و نوجوانان مندرج در اسناد بین‌المللی، در قوانین داخلی لحاظ شده است؟

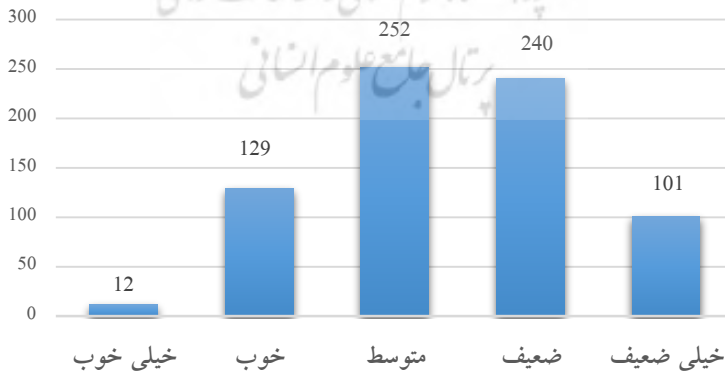


جدول ۱. گزینه‌های آماری پرسش اول پژوهش

میانگین نمره‌ها	خیلی ضعیف	ضعیف	متوسط	خوب	خیلی خوب	پرسش‌های مطرح شده
۲/۴۵	۳۰	۵۰	۴۵	۱۸	۵	پرسش اول
۲/۷۲	۱۹	۴۵	۴۱	۴۰	۱	پرسش دوم
۲/۶۵	۷	۶۳	۵۰	۲۳	۱	پرسش سوم
۲/۵۷	۲۶	۳۷	۶۱	۲۰	۳	پرسش چهارم
۲/۶۶	۱۹	۴۵	۵۵	۲۸	۲	پرسش بیست و پنجم
۲/۶۱	میانگین نمونه					

باتوجه به نتایج به دست آمده بالا، میانگین نمونه به دست آمده برابر با ۲/۶۱ است که با قراردادن در فرمول، تی محاسبه شده برابر ۱/۶۳ است و تی جدول با درجه آزادی ۹۹ ( $df = 100 - 1$ ) و با سطح اطمینان ۰/۹۵ برابر ۱/۹۸ است، بنابراین چون تی محاسبه شده کوچکتر از تی جدول است، فرض صفر تأیید می شود، در نتیجه میانگین نمره‌های به دست آمده پایین تر از میانگین جامعه است و با ۰/۹۵ درصد اطمینان از نظر کارشناسان، قوانین و مقررات داخلی در دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در حد کافی وجود ندارد.

نمودار ۱. فراوانی پرسش اول پژوهش



**توصیف و تجزیه و تحلیل آماری پرسش دوم پژوهش: ۲- معیارهای رفتاری در زمینه دادرسی ویژه اطفال چگونه بوده است؟** از نظر تفاوت‌های اساسی کودکان و نوجوانان با بزرگسالان، وضعیت آنان ویژه است؛ به همین منظور در حقوق داخلی بیشتر کشورها و اسناد بین‌المللی، معیارهای علمی - کاربردی تعریف شده است تا سیاست‌مداران و مسئولان دادرسی ویژه نوجوانان و از جمله پلیس را به فعالیت‌های مضاعفی وادارد، همچنین بدون توسل به سیاست جنایی افتراقی و تنها با توسل به سازوکارهای عمومی دادرسی بزرگسالان که بیشتر مبتنی بر سیاست کیفری محض است، قادر به کنترل کودکان و نوجوانان معارض با قانون به نحوی که منجر به ادغام مجدد آنان در جامعه باشد، نیستیم. از طرفی برای دستیابی به اصول رسیدگی و رفتار و مداخله مبتنی بر معیارهای دادرسی کودکان و نوجوانان نیازمند توجه به این اصول و شیوه‌های مداخله پلیس هستیم (بارانی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۵).

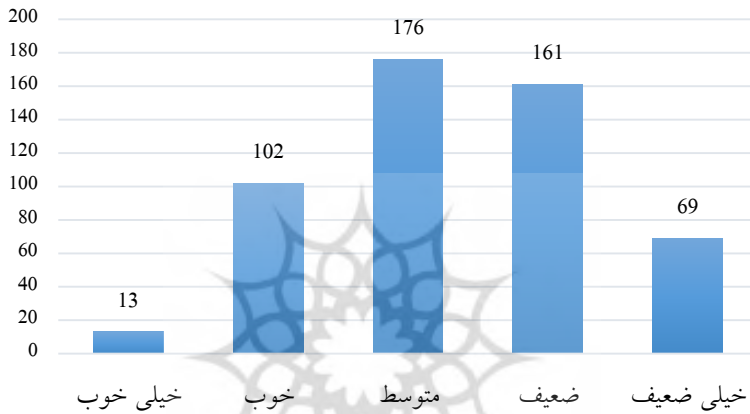
جدول ۲. گزینه‌های آماری پرسش دوم پژوهش

شماره سؤالات	خیلی ضعیف	ضعیف	متوسط	قوی	خیلی قوی	پرسش‌های مطرح شده
۲/۲۷	۳۶	۵۴	۴۴	۱۵	۱	سؤال هفتم
۲/۹۸	۴	۴۷	۵۳	۳۸	۷	سؤال دوازدهم
۲/۸۵	۵	۲۰	۳۷	۱۸	۰	پرسش پانزدهم
۲/۸۱	۵	۱۶	۲۱	۱۵	۰	سؤال بیست و یکم
۲/۵۸	۱۹	۲۴	۲۱	۱۶	۵	پرسش بیست و چهارم
۲/۷۰						میانگین نمونه

با توجه به نتایج به دست آمده بالا، میانگین نمونه به دست آمده برابر ۲/۷۰ است که با قراردادن در فرمول، تی محاسبه شده برابر ۱/۶۹ است و تی جدول با درجه آزادی ۹۹

( $d. f = 100-1$ ) و با سطح اطمینان ۰/۹۵ برابر ۱/۹۸ است، بنابراین چون تی محاسبه شده کوچکتر از تی جدول است، فرض صفر تأیید می شود، در نتیجه میانگین نمره های به دست آمده پایین تر از میانگین جامعه است و با ۰/۹۵ درصد اطمینان از نظر کارشناسان، معیارهای رفتاری در دادرسی ویژه اطفال در حد کافی وجود ندارد.

نمودار ۲. فراوانی پرسش دوم پژوهش



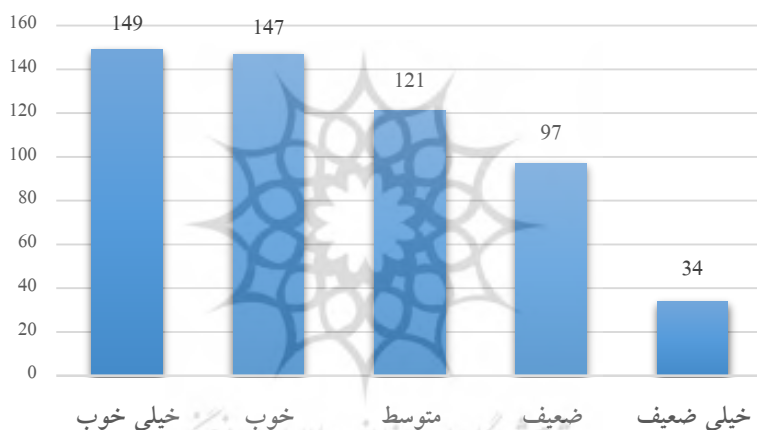
توصیف و تجزیه و تحلیل آماری پرسش سوم پژوهش: ۳-آموزش ها و مهارت های دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان چگونه است؟

جدول ۳. گزینه های آماری پرسش سوم پژوهش

گزینه های پرسش مطرح شده	رایج ترین	رایج دوم	رایج سوم	رایج چهارم	رایج پنجم
پرسش هشتم	۱۵	۴۳	۵۳	۳۱	۷
پرسش دهم	۲	۱۵	۳۱	۶۶	۳۶
پرسش چهاردهم	۰	۸	۷	۳۳	۱۰۲
پرسش بیست و سوم	۱۷	۳۱	۳۰	۱۷	۴
میانگین نمونه	۳/۴۳				

با توجه به نتایج به دست آمده بالا، میانگین نمونه به دست آمده برابر ۳/۴۳ است که با قراردادن در فرمول، تی محاسبه شده برابر ۲/۹۹ است و تی جدول با درجه آزادی ۹۹ (df= ۱۰۰-۱) و با سطح اطمینان ۰/۹۵ برابر ۱/۹۸ است، بنابراین چون تی محاسبه شده بزرگتر از تی جدول است، فرض صفر رد شده و فرض خلاف تأیید می‌شود، در نتیجه میانگین نمره‌های به دست آمده بالاتر از میانگین جامعه است و با ۰/۹۵ درصد اطمینان از نظر کارشناسان، آموزش‌ها و مهارت‌ها در دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان خوب بوده و ضرورت و نیاز به توجه بیشتر دارد.

نمودار ۳. فراوانی پرسش سوم پژوهش



**توصیف و تجزیه و تحلیل آماری پرسش چهارم پژوهش:** ۴-فرآیندها در دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان چگونه است؟ پلیس با نهادهای دولتی مشخصی در حوزه اطفال و نوجوانان سروکار دارد، مهم‌ترین این نهادها عبارت‌اند از ساختارهای قضایی دادگستری شامل دادگاه و دادسرا، سازمان زندان‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی و سازمان بهزیستی. نقش هریک از این نهادها در ارتباط با نوع کودک در تماس با قانون؛ همچنین مراحل مختلف فرایند دادرسی متفاوت است. به عنوان نمونه در ارتباط با کودکان در معرض خطر، مهم‌ترین نهاد دولتی سازمان بهزیستی است یا در مورد

کودکان محروم از آزادی، سازمان زندان‌ها نقش مهم‌تری دارد. موازین داخلی و بین‌المللی در این ارتباط، مبانی قانونی لازم برای تعامل و همکاری بین پلیس و سایر نهادها را ایجاد کرده‌اند. بررسی این موازین، نشان‌دهنده آن است که در این مقررات، هم تعامل اجباری مورد توجه است و هم تعامل اختیاری تجویز شده است. از دهه‌های آخر سده بیستم به این سو، نظریه عدالت کیفری سرکوب‌گر به دلیل ویژگی‌ها، عملکرد و نتایج ویژه آن مورد انتقادات و اعتراض‌های نظریه‌پردازان حقوق کیفری و جرم‌شناسان قرار گرفت. اعتقاد منتقدان این نظریه بر این است که عدالت کیفری، سزادهی بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه را به نفع اعمال اقتدار عمومی براساس قوانین کیفری را فراموش کرده یا حداقل نقشی در خور و شایسته به آنها نداده است (عباسی، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

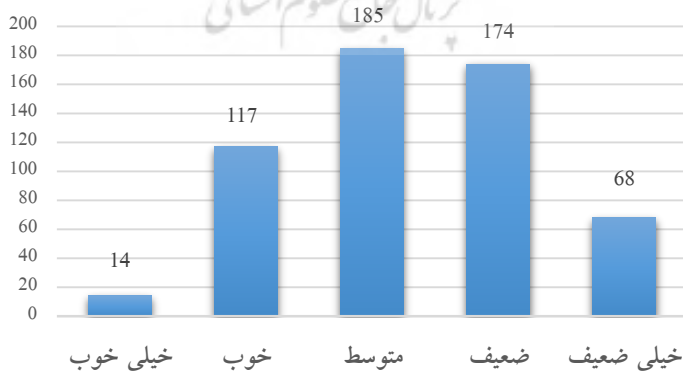
جرم از این دیدگاه (عدالت ترمیمی) بیش از آنکه یک تعرض به قانون جزا، به‌عنوان بارزترین و رسمی‌ترین مظهر اقتدار عمومی تلقی شود، حادثه‌ای در عالم واقع ترسیم و تجسم و یک تعرض واقعی و ملموس به انسان‌ها در جامعه تلقی می‌شود؛ بنابراین کیفر فقط موقعی تجویز می‌شود که هیچ راهی برای ترمیم زیان‌ها و خطاها وجود نداشته باشد و اگر هم کیفر تجویز می‌شود، کیفری احیاگر و ترمیم‌کننده ترجیح داده می‌شود (عباسی، ۱۳۸۲، ص ۲۸). به‌همین جهت یکی از اصول اساسی و شاخص‌های اصلی دادرسی کودکان و نوجوانان توجه به اجرای عدالت ترمیمی به‌جای عدالت کیفری است و این موضوع در اسناد بین‌المللی ناظر بر دادرسی کودکان و نوجوانان مورد توجه قرار گرفته است.

جدول ۴. گزینه‌های آماری پرسش چهارم پژوهش

میانگین نمره‌ها	فرد	زوج	مجموع	فرد	فرد	پرسش‌های مطرح شده
۲/۹۹	۵	۵۰	۴۵	۴۲	۸	پرسش نهم
۲/۴۳	۱۵	۲۵	۳۵	۸	۰	پرسش شانزدهم
۲/۵۴	۱۶	۲۷	۴۳	۱۰	۲	پرسش هفدهم
۲/۷۴	۸	۲۰	۱۸	۱۹	۰	پرسش بیستم
۲/۷۳	۱۴	۳۲	۲۵	۲۷	۳	پرسش بیست و دوم
۲/۵۶	۱۰	۲۰	۱۹	۱۱	۱	پرسش بیست و هشتم
۲/۶۶						میانگین نمونه

با توجه به نتایج به دست آمده بالا، میانگین نمونه به دست آمده برابر ۲/۶۶ است که با قراردادن در فرمول، تی محاسبه شده برابر ۰/۹۴ است و تی جدول با درجه آزادی ۹۹ (df= ۱۰۰-۱) و با سطح اطمینان ۰/۹۵ برابر ۱/۹۸ است، بنابراین چون تی محاسبه شده کوچکتر از تی جدول است، فرض صفر تأیید می شود، در نتیجه میانگین نمره‌های به دست آمده پایین تر از میانگین جامعه است و با ۰/۹۵ درصد اطمینان از نظر کارشناسان، فرآیندها و سازوکارها در دادرسی ویژه اطفال در حد کافی وجود ندارد.

نمودار ۴. فراوانی پرسش چهارم پژوهش



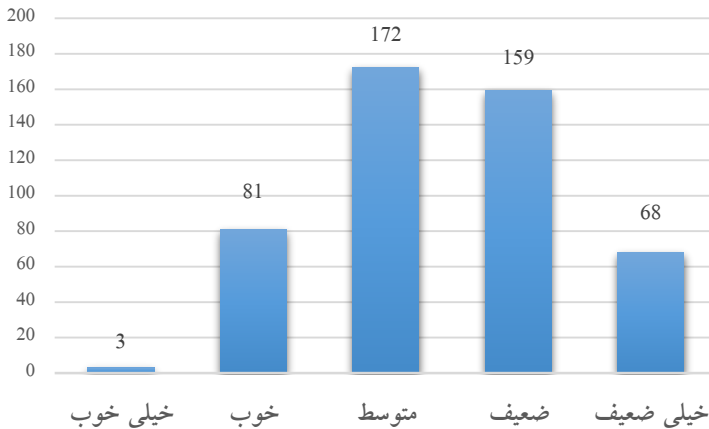
توصیف و تجزیه و تحلیل آماری پرسش پنجم پژوهش: ۵- راهبردها، سیاست‌ها و تدابیر پلیس در دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان چگونه است؟

جدول ۵. گزینه‌های آماری پرسش پنجم پژوهش

پرسش‌های مطرح شده	۱	۲	۳	۴	۵
پرسش پنجم	۲	۲۸	۵۵	۴۵	۱۹
پرسش ششم	۱	۱۷	۶۴	۴۹	۱۹
پرسش هفدهم	۰	۱	۱۹	۱۵	۱۲
پرسش نوزدهم	۰	۸	۷	۲۰	۷
پرسش بیست و ششم	۰	۱۸	۱۶	۱۵	۶
پرسش بیست و هفتم	۰	۹	۱۱	۱۵	۵
میانگین نمونه	۲/۵۴				

با توجه به نتایج به دست آمده بالا، میانگین نمونه به دست آمده برابر ۲/۵۴ است که با قراردادن در فرمول، تی محاسبه شده برابر ۱/۰۸ است و تی جدول با درجه آزادی ۹۹ ( $df = 100 - 1$ ) و با سطح اطمینان ۰/۹۵ برابر ۱/۹۸ است، بنابراین چون تی محاسبه شده کوچکتر از تی جدول است، فرض صفر تأیید می‌شود، در نتیجه میانگین نمره‌های به دست آمده پایین تر از میانگین جامعه است و با ۰/۹۵ درصد اطمینان از نظر کارشناسان، راهبردها، سیاست‌ها و تدابیر و تعامل پلیس با سایر بخش‌ها در دادرسی ویژه اطفال در حد کافی وجود ندارد.

نمودار ۵. فراوانی پرسش پنجم پژوهش



### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به آمارهای موجود و نتایج کمی و کیفی به‌دست آمده از این پژوهش، پاسخ به چهار پرسش از پنج پرسش مطرح شده منفی است و این بیان‌کننده این مطلب است که پلیس در چارچوب قوانین و مقررات ویژه دادرسی اطفال و نوجوانان نقش، اختیار و رفتار در حد کفایت نداشته است و نیاز به بازنگری و اصلاح قوانین وجود دارد. وجود تفاوت‌های اساسی جسمی، روحی و روانی، احساسی و عاطفی، عقلی و ادراکی بین کودکان و نوجوانان با بزرگسالان و وجود ویژگی‌های خاص در این گروه سنی، به همراه ضرورت توجه به حمایت، رفاه، رشد متوازن، برآورده کردن نیازها و ادغام مجدد در جامعه، پلیس را به‌سوی به‌کارگیری سیاست جنایی افتراقی با کودکان ناقض قانون و داشتن مهارت‌های ویژه برای ارتباط و تماس با آنان هدایت می‌کند. سیاست جنایی برخلاف سیاست کیفری، کلیه شیوه‌های اجتماعی و پاسخ‌های متفاوت به پدیده مجرمانه را در بر می‌گیرد و بر همین اساس است که باید پلیس متخصص و یا کارکنان آموزش‌دیده در این موضوع وارد شوند. همچنین یک نظام کارآمد پلیسی باید ضمن شناسایی اصول بنیادین دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان، تمام اقدام‌ها، سیاست‌ها و



تدابیر خود را با رعایت این اصول تعریف کند، تا مداخله رفتار خود را در حوزه دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان معیار کند.

نگارندگان اعتقاد دارند که توجه به پیشنهادهای زیر و عملیاتی کردن تدریجی آنها، می‌تواند پلیس را در دستیابی به یک نظام دادرسی افتراقی کودکان و نوجوانان کمک کند:

۱- اصلاح سیاست جنایی تقنینی برای تمهید سیاست پلیسی افتراقی در قبال کودکان و نوجوانان ناقض قانون، با همکاری مراجع قانون‌گذاری در مراحل تصویب لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان و لایحه آیین دادرسی کیفری؛

۲- تدوین و ابلاغ شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های سازمانی در موارد زیر:

الف) شیوه رفتار کارکنان پلیس با کودکان و نوجوانان؛

ب) به کارگیری سیاست عدالت ترمیمی به جای عدالت کیفری حداقل در جرایم خرد و قابل گذشت، با بهره‌گیری از تجارب محلی و ملی؛

ج) استفاده از روش‌های غیرقضائی و قضاودایی از جرایم خرد کودکان و نوجوانان توسط پلیس با مشارکت خانواده و افراد تأثیرگذار؛

د) تدوین شیوه‌نامه اجرایی به‌منظور تعیین تکلیف کارکنان پلیس در قبال جرایم مشهود اطفال و نوجوانان در گروه‌های سنی مختلف و شیوه عملکرد و مداخله پلیس در این جرایم با همکاری دستگاه قضائی؛

ه) تجویز استفاده از جایگزین‌های دستگیری و بازداشت کودکان و نوجوانان با تبیین میزان اختیار و محدودیت‌ها؛

و) تبیین حقوق کودکان و نوجوانان ناقض قانون با الزام به نصب این حقوق در مراجع انتظامی؛

- ۳- پیش‌بینی و تهیه نظام جامع آماري دادرسی ویژه نوجوانان با اصلاح نظام جامع آماري موجود و تفکیک آن از نظام آماري بزرگسالان با قابلیت اتصال به سامانه‌های سایر نظام‌های حمایت از کودکان و نوجوانان؛
- ۴- آموزش حضوری یا مجازی حقوق کودک و مهارت‌های برخورد با کودکان و نوجوانان برای کارکنان پلیس؛
- ۵- راه‌اندازی پلیس اطفال و نوجوانان و پیش‌بینی سازوکارهای لازم در این خصوص؛
- ۶- تغییر نگرش کارکنان در امر دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان ناقض قانون به این موضوع که کودکان و نوجوانان قبل از این که بزه‌کار باشند، بزه‌دیده هستند.

### فهرست منابع

- بارانی، محمد و جزینی، علیرضا. (۱۳۸۸). سیاست جنایی پلیس در قبال کودکان و نوجوانان معارض قانون. مجموعه مقاله‌های برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان. تهران: معاونت آموزش و پلیس پیشگیری نیروی انتظامی.
- شیرانی، پویا و حیدری، مسعود. (۱۳۹۶). نقش شکل‌گیری پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در پیشگیری از جرم. مجله کارگاه، (۳۹).
- بارانی، محمد و کشفی، سیدسعید. (۱۳۹۱). نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان- راهنمای عملی پلیس. تهران: معاونت تربیت و آموزش نیروی انتظامی.
- اسکلتن، آن و برنکن، نایجل. (۱۳۸۶). نقش پلیس در نظام دادرسی کودکان و نوجوانان دوستدار کودک. (علی فاتح، مترجم). تهران: انتشارات داخلی دفتر یونیسف.
- بارانی، محمد. مستندات کارگاه‌های آموزشی دادرسی کودکان و نوجوانان ویژه رؤسای کلانتری و پاسگاه‌های سراسر کشور از سال ۱۳۸۴-۸۷. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی.

- ویلسون، کلر و مارتین پاول. (۱۳۸۵). راهنمای مصاحبه با کودکان. (سروش بهره‌بر و مهدی جاوید، مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- نوروزی، بهرام؛ بارانی، محمد و سرکشکیان، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۹). پیشگیری از جرم از نظریه تا عمل با تأکید بر نقش پلیس. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی.
- حیدریان، مریم. (۱۳۸۸). مهارت‌های ارتباطی پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان. مجموعه مقالات همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی.
- مقدسی، باقر. (۱۳۸۶). رویکرد حقوق بشری به وظایف و اختیار پلیس در فرایند کیفری در ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- کاظمی، سیدعلی. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی نهاد پلیس اطفال در نظام‌های مختلف حقوقی، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۹۴.
- رضوانی، محمد و طاهریان، میلاد. (۱۳۹۲). قضازدایی در عدالت کیفری اطفال و نوجوانان با تأکید بر اسناد بین‌المللی و نظام کیفری ایران. مقاله ارائه‌شده در کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان. کرمان
- کشفی، سیدسعید. (۱۳۸۷). نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان. فصلنامه دانش انتظامی، (۳۸)، صص ۱۴۴-۱۶۶.
- مهابادی، علی اصغر. (۱۳۷۷). بررسی بازنگری نظام حقوقی ناجا «ضابطین دادگستری». تهران: مرکز تحقیقات و پژوهش‌های ناجا.
- بارانی، محمد. (۱۳۸۶)، کارگاه آموزشی پژوهشی دادرسی کودکان و نوجوانان استان خراسان شمالی، مشهد: انتشارات فرماندهی انتظامی استان خراسان شمالی.
- فینکلهور، دیوید و تودور پی. (۱۳۸۵). چگونگی واکنش نظام دادرسی به اطفال و نوجوانان بزه‌دیده: یک الگوی جامع، (محمد بارانی و علی فاتح، مترجمان). دفتر تحقیقات کاربردی معاونت حقوقی و امور مجلس نیروی انتظامی.

- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- Meehan, A. J. (1993). Internal police records and the control of juveniles, *Brit. J. Criminol*, (33)4.
- Unicef. (2006). Unicef uses the term “child protection” to refer to preventing and responding to violence, exploitation and abuse against children.
- Morris. (2001). Revisiting re integrative shaming (Article originally appeared in the *Criminology Aotearoa/ NewZealand*. A Newsletter from the Institute of Criminology, Victoria University of Wellington.

